

بررسی تطبیقی تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم در حقوق

فرشته مومنی

کارشناسی ارشد جرم و جزاشناسی دانشگاه آزاد زاهدان - وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

یکی از اقداماتی که مقامات قضایی در راستای تحقیقات مقدماتی انجام می‌دهند، صدور دستور تفتیش منازل، اماکن و اشخاص است. اجرای این دستورات ممکن است در مواردی با حقوق و آزادی‌های فردی و به‌ویژه با حریم خصوصی افراد در تعارض قرار گیرد. عایت حریم خصوصی و یا حق خلوت اشخاص یکی از حقوق برجسته انسان‌ها در هر جامعه‌ای است. یکی از اقداماتی که ناقض حریم خصوصی شمرده می‌شود، «بازرسی و تفتیش» است. با توجه به استثنائی بودن این اقدام، ضروری است که در قوانین آیین دادرسی کیفری حدود و ثغور این اقدام مشخص شود. مرحله تحقیقات مقدماتی فضایی است که تقابل منافع افراد از یک‌سو و منافع دولت‌ها از سوی دیگر به وضوح مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در این مرحله به‌منظور حمایت از حقوق اساسی افراد اعم از آزادی‌ها، حریم خصوصی و مصونیت اموال افراد در برابر تعرض دولت‌ها، مقرراتی پیش‌بینی شده است. داشتن مجوز (حکم) قضایی مهم‌ترین ابزار برای قانونمند کردن و نظارت بر محدودیت‌های دولت‌ها برای ورود سرزده به اماکن خصوصی افراد و تضمینی برای حفظ و صیانت از آزادی‌ها و حریم خصوصی آنان در سراسر جهان به شمار می‌رود. مجوز قضایی توسط مقام قضایی بی‌طرف و پس از اینکه دولت توجیهات قانونی معقول خود را برای ضرورت برهم زدن حقوق افراد ارائه کرد، صادر می‌شود. موضوع بازرسی‌ها و تفتیش و توقیف اموال و اسناد، یکی از عرصه‌هایی است که در تقابل با اصل لزوم احترام و حفظ حریم خصوصی افراد قرار دارد و به این ترتیب در مرحله تحقیقات مقدماتی ضابطان دادگستری در حقوق ایران و فرانسه مکلف شده‌اند در این عرصه به مسأله ضرورت، شیوه بازرسی و در نهایت ضمانت اجرای تخلف از مقررات دادرسی توجه کافی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: رعایت حریم خصوصی ، بازرسی و تفتیش ، دادرسی کیفری ، وسایل نقلیه ، ضمانت اجرا

مقدمه

به رسمیت شناختن و احترام به حق حریم خصوصی و لزوم وجود مقررات و قواعدی ناظر بر رعایت حق اشخاص بر تنها بودن نه تنها به تأمین بیش تر آزادی آنان کمک می کند بلکه ورود به قلمرو خصوصی اشخاص توسط ماموران دولتی را با مقرر نمودن تشریفات و ضوابطی در راستای اجرای تفتیش و بازرسی محدود می نماید. در راستای تأمین حق مذکور اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر نموده است. در حقوق ایران با توجه به مواد قانون آیین دادرسی کیفری این گونه برداشت می شود که بازرسی و تفتیش از اتومبیل های شخصی همانند بازرسی منزل باید با اجازه مقام قضائی باشد و در نتیجه وسایل نقلیه نیز جزء مکان های خصوصی بوده و رعایت حریم خصوصی در آن اجتناب ناپذیر است. بر این اساس، نقض حریم خصوصی افراد باید در راستای یک مصلحت عمومی بوده و تنها در مواردی به عمل آید که مصلحت عمومی، مهم تر از حق افراد و بر مبنای موازین جامعه دموکراتیک باشد. و مقام تشخیص مهم تر بودن حق حریم خصوصی و یا مصلحت اجتماعی باید یک مقام قضایی باشد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ بنابراین به نظر می رسد حقوق ایران با مقررره اخیر، رویه ای مشابه حقوق آمریکا اتخاذ نموده و اصل را بر رعایت حریم خصوصی و الزامات و مقررات حاکم قرار داده است و در موارد و مصادیق استثنایی و تصریح شده از رعایت ضوابط و مقررات عدول کرده است. در قانون اساسی آمریکا نیز صراحتاً به این حق بنیادین تصریح نشده است؛ اما با استناد به اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا که بر ممنوعیت تفتیش ها و توقیف های غیر موجه دلالت دارد، رعایت و حفظ حریم خصوصی استنباط می گردد. (Collings, 1962:425)

زمان بازرسی

حسب مواد ۱۲۴ و ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر این است که انجام معاینه محلی، تحقیق محلی و بازرسی باید در روز انجام شود. حسب تبصره ماده ۱۴۰، روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است. مراد قانونگذار از تصریح به این موضوع در مقررات دادرسی کیفری، رعایت حقوق افراد و آسایش آنها است. ماده ۸ ماده واحده قانون حقوق شهروندی نیز دستگیری متهمان فراری و کشف آلات و ادوات جرم را تنها بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط قابل انجام می داند. مزاحمت اعم از ایجاد سر و صدای نامتعارف، ورود در مشاعات منازل مسکونی و آپارتمانها و مجتمع های مسکونی، ایجاد رعب و وحشت و هراس ناشی از حضور مأموران نیروی انتظامی و درگیریهای آنان با مظنونان و صداهای ناشی از شلیک های گلوله، و ممانعت از ورود و خروج آزادانه افراد از محل های اقامتی خود است. بدیهی است این نوع از مزاحمت ها در شب که غالب مردم در منازل مسکونی خود به سر می برند و در حال استراحت هستند، بیشتر از روز است. مع الوصف گاهی اوقات برخی مصالح اقتضاء آن دارد که تفتیش و بازرسی و با تحقیقات محلی در شب صورت گیرد. نوع جرائم ارتكابی و شدت آنان، شخصیت و حالت خطرناکی مظنونان و احتمال فرار آنها و امحاء آثار و دلائل جرم گاهی اوقات انجام بازرسی و تفتیش در شب را اجتنابناپذیر می نماید. بنابراین قانونگذار مطابق ماده ۱۴۰ در مواردی که «ضرورت» اقتضا می کند، بازرسی دلائل ضرورت را احراز و در صورت جلسه تمبر می کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می یابد.

جهات و موارد تفتیش و بازرسی

با عنایت به آنکه مقامات قضایی در اجرای بازرسی و تفتیش مقید به رعایت اصول و ضوابطی هستند، مقنن به نحو شایسته به تبیین مواردی همچون مقامات صالح جهت صدور و اجرای قرار تفتیش، نحوه تفتیش و بازرسی با تفکیک میان جرایم مشهود و غیرمشهود و الزامات حاصل از آن و ... پرداخته است.

ضوابط حاکم بر تفتیش و بازرسی وسیله نقلیه

تفتیش در لغت به معنای، تفحص کردن، بازرسیدن، بازجستن، بازرسی است (معین، ۱۳۸۶: ۱۱۱۰). در اصطلاح حقوقی بدین گونه تعریف شده است: «تفتیش امری است مهم شامل جمع آوری ادله که با تحقیق در مورد دلائل جرم از سوی مقامهای مخصوص به این کار انجام می گیرد.

صرفنظر از اراده و رضایت فرد یا صاحب مکان مورد نظر، تفتیش عملی است تحقیقی که این مقام در محل خاص یا در مورد خاصی و برای زمینه سازی جهت اعمال حق جامعه در مورد مجازات انجام می دهد.» (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۰۰۶).

در فرهنگ لغت لاتین، تفتیش بدین معنا آمده است :

«بازرسی منزل، بنا یا ساختمان شخص یا دارایی او به منظور کشف اموال مسروقه یا غیرمجاز یا کشف دلیل جرم که در تعقیب رفتار مجرمانه ای که شخص به آن متهم شده است، به کار برده و اعمال می‌شود.» (Campbell Black, 1968)

مقامات صالح جهت صدور و اجرای قرار تفتیش

با توجه به اینکه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص از جمله حق حریم خصوصی آنان در تعارض است، باید مأمورانی آموزش‌دیده و امین به اجرا و انجام بازرسی منصوب شوند. در این قسمت باید به تعیین مأموران صالح جهت صدور مجوز قضایی و مأموران مجری اجرای قرار یا مجوز قضایی تفتیش اشاره نمود.

با توجه به اینکه سیستم حکومتی امریکا فدرال است و به این دلیل در هر جزئی از خاک این کشور به علت وجود دو نوع شخصیت حقوق عمومی، دو قانون حکومت می‌کند و به این اعتبار دو نوع پلیس هم وجود دارد (فدرال و ایالتی)، افراد پلیس فدرال همان کارکنان ۲۲، مأموران مبارزه با مواد مخدر و مأموران خاص رسیدگی به برخی جرایم بین‌ایالتی هستند. اعضای پلیس محلی هم در شهرها، هم در روستاها و هم در راهها مستقر هستند. بنابراین، شرفها مارشالها و ایضاً رئیس و کارمندان ادارات جنایی، بازرسان و مأموران راهنمایی و رانندگی بر حسب صلاحیت در حوزه معینی انجام وظیفه می‌کنند. تنها افسران قضایی که به آنها مجوز داده شده است برای صدور قرار صلاحیت دارند. بسیاری از حوزه‌های قضایی این اختیار را به افسران قضایی مانند کارمندان دادگاه، مجیستریتها، قضات صلح و قضات اعطا کرده‌اند. قرار تفتیش توسط مقامات مذکور، خطاب به مأمور خاصی یا گروهی از مأموران صادر می‌شود. مأمور معین شده باید قرار را اجرا نماید و به طور معمول، حضور مأمور مورد خطاب قرار هنگام اجرای بازرسی الزامی است مگر آنکه خطاب به کلانتر صادر شده باشد که قائم مقام او ممکن است قرار را بدون حضور کلانتر اجرا نماید. در حقوق ایران، در جرایم مشهود ضابطان رسماً به تفتیش اقدام می‌نمایند و در جرایم غیرمشهود حسب مجوز مقام قضایی بازرسی و تفتیش صورت می‌گیرد. بنابراین، مقامات صالح در حقوق ایران «ضابطان دادگستری» هستند که مقنن در راستای تخصصی شدن ضابطان، افراد خاصی را به عنوان ضابط شناخته است؛ بدین گونه که ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است (موذن-زادگان، و سهیل مقدم، ۱۳۹۵)

ضرورت الزام به کسب مجوز قضایی

حکم ورود به منزل و بازرسی از آن، یک امر دلخواهی نیست، بلکه فقط باید در موارد قانونی به ترتیبی که قانون مقرر کرده است، انجام شود. با توجه به وجوب رعایت حریم خصوصی ممنوعیت مداخله در امور شخصی دیگران، اصل آن است که ورود به منزل دیگری بدون مجوز قانونی و حکم قضایی ممنوع است، مگر در موقعیت‌های استثنائی که صریحاً مقنن، جواز ورود به منزل اشخاص را بدون کسب مجوز قضایی اجازه داده است. در هر دو نظام حقوقی باید با توجه به مشهود یا غیرمشهود بودن جرایم و الزام به اخذ مجوز قضایی در جرایم غیرمشهود، به بررسی اختیارات مأموران و مقررات ناظر بر بازرسی‌ها و تفتیش پرداخت. مشهود و غیرمشهود، محدوده اختیارات ضابطان دادگستری را تبیین نموده‌اند. با توجه به مواد مذکور، بازرسی بدنی اشخاص یا تفتیش اشیاء و اماکن یا ورود به منزل در جرایم مشهود، اقداماتی هستند که نیاز به حکم قبلی مقام قضایی ندارند و مشهود بودن جرم و ضرورت دخالت فوری ضابطان آن را توجیه می‌نماید و نیز قید «تمامی اقدامات لازم» در ماده ۴۴ قانون مذکور، قیدی است عام که هیچ تخصیصی نخورده است؛ بنابراین، در این گونه جرایم گسترده بودن اقدامات ضابطان برداشت می‌شود. اما در جرایم غیرمشهود، مطابق ماده ۵۵ قانون، ضابطان دادگستری حق انجام اقدامات مذکور را نداشته و برای این امر «اجازه موردی» مقام قضایی لازم است. منظور از اجازه موردی نیز، دستور صریح مقام قضایی با ذکر نام متهم و یا ذکر نشانی مکان مورد نظر است

مجوز قضائی

حسب ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری، ضابطان در جرائم مشهود به لحاظ ضرورت کسب دلایل و فوریت موضوع محتاج کسب مجوز قضائی نیستند و به تصریح این ماده تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل می آورند، تحقیقات لازم را انجام می دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می رسانند. ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری نیز ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته، تفتیش آنها همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود را تنها با کسب مجوز موردی از مقام قضائی امکانپذیر دانسته است. مفهوم مخالف این ماده آن است که به لحاظ ضرورت اقدام فوری و بی درنگ ضابطان قانونگذار، از کسب اجازه قبلی از مقام قضائی در جرایم مشهود را لازم ندانسته است. بنابراین می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که در جرایم مشهود، تفتیش منازل، اماکن تعطیل و تفتیش و بررسی آنها نیاز به اجازه مقام قضائی ندارد و ضابطان می توانند رأساً اقدام نمایند. با این وجود اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷۱۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۰۴/۰۴ با تکیه بر اصل ۲۲ قانون اساسی مبنی بر مصونیت مسکن اشخاص از تعرض و تضمین رعایت این اصل و نیز تأکید ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۹۲ بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی، ورود ضابطان به منازل اشخاص را در جرائم مشهود جز در مورد اجازه ساکنین، منوط به اخذ مجوز از مقام قضائی دانسته است. ماده ۵۸ قانون فوق الذکر نیز ارائه اصل دستور قضائی در هنگام ورود به منازل را ضروری دانسته و مفاد لایحه حمایت از حریم خصوصی نیز مؤید این موضوع است.

توقیف و تفتیش بدنی

از یکسو به منظور ایجاد توازن و تعادل میان حفظ حریم خصوصی اشخاص و نیز حق آزاد بودن نسبت به تفتیش ها و توقیف های غیرموجه و از سوی دیگر با توجه به منافع عمومی در پیشگیری از جرم و حفظ امنیت مأموران و اشخاص دیگر از اشخاص خطرناک و مسلح، مقنن این صلاحیت را به مأموران اعطاء کرده است که به صورت محدود و موقت شخصی را توقیف نمایند. توقیف مذکور تحت اصلاحیه چهارم واقع می شود با این تفاوت که آنچه در این موقعیت ضروری است احراز «ظن متعارف» است نه دلیل موجه. به عبارت دیگر، شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر این وضعیت این گونه است که مأمور پلیس باید رفتار غیرمعمولی از جانب شخصی را مشاهده و به طور متعارف و در پرتو تجاربش به این نتیجه رسد که رفتار مجرمانه ای روی داده یا در حال اتفاق افتادن است و شخص مورد نظر ممکن است مسلح باشد. یکی از مهم ترین برجسته ترین پرونده ها در زمینه توقیف و بازرسی بدنی، پرونده تری است. در این پرونده دیوان عالی رأی داده است: پلیس دارای اختیار و صلاحیت است که شخصی را به صورت کوتاه به منظور سوال کردن حتی بدون دلیل موجه در پرتو تجاربش در صورت اعتقاد به ارتکاب جرم بازداشت و توقیف کند. توقیف شخص به منظور تحقیق و سوال پرسیدن، دستگیری محسوب نمی شود. (انصاری، ۱۳۹۰)

نتیجه

بدون تردید یکی از مهم ترین اهداف عدالت کیفری مجازات بزهکاران است لکن حتی اگر مجازات متناسب با جرم هم در حق مرتکب اعمال شده باشد، عدالت در دادرسی بدون تحقق مفهوم انصاف تکامل نخواهد یافت. عدالت در دادرسی تنها کشف یک واقعه مجرمانه نیست، بلکه به معنی تحقق معیارها تضمیناتی است که به طور کامل حقوق یک متهم را در جریان دادرسی مورد حمایت قرار دهد. تضمین حقوق اساسی متهم در دادرسی کیفری در قوانین اساسی و عادی هر کشور تأمین فرصت دفاع متهم در برابر اتهامات وارده بدون کمترین تبعیض و نابرابری در مقایسه با دادستان و مقام تعقیب موجب تحقق اصل برابری سلاحها و توازن واقعی بین طرفین یک دعوی کیفری و در حقیقت گرانیگاه و هسته مرکزی برابری و انصاف و در نهایت عدالت در فرایند دادرسی کیفری است. از سوی دیگر، دلایلی که در فرایند غیرقانونی و از روشهای مغایر با قانون تحصیل شده اند، حتی اگر در ارتباط آنها با اتهام انتسابی تردیدی وجود نداشته باشد در دادگاه برای محکومیت متهم نباید پذیرفته شوند. این دیدگاه، اصلی انضباطی را با خود به همراه دارد که به موجب آن و با کنارگذاشتن دلایلی که از طرق غیر قانونی تحصیل شده اند، پلیس را از توسل به شیوه های استبدادی و یا مزورانه منصرف نماید. - ضرورت نقض حقوق افراد در اماکن تحت

مالکیت یا تصرفات مشروع آنها و تعرض به آزادیهای شخصی افراد در شرایطی که اتکاء بر اصول متعدد قانون اساسی دارند و قوانین عادی نظیر قانون حمایت از حقوق شهروندی و قانون مجازات اسلامی، به نحو مکفی، با ضمانت اجراهای کیفری و غیرکیفری این حقوق را مورد حمایت قرار داده است، در مقابله با موضوع کشف دلایل اثباتی یک جرم که تضمین امنیت اجتماعی و نیز حقوق بزه‌دیده را در پی خواهد داشت، تنها با اثبات و احراز «ضرورت» امکانپذیر است و ضرورت انجام بازرسی بدان مفهوم است که «حسب قرائن امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم» در آن مکان وجود داشته باشد. این نکته را ماده ۱۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار داده و بازپرس را مکلف کرده است که «جهات ظن قوی» که موجب صدور دستور تفتیش و بازرسی توسط وی شده است را در پرونده قید نماید

منابع

- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
 معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، چاپ بیست و چهارم، تهران: امیر کبیر
 موذن-زادگان، حسنعلی و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵)، «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (باتاکید بر حقوق آمریکا)»،
 مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲۶۷-۲۴۳.
 یوسفی، ایمان (۱۳۹۲)، تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: جنگل
 Campbell Black, Henry. Black's Law Dictionary. Fifth edition. USA: ST. PAUL, MINN. West publishing Co, 1968.
 Collings Jr, Rex A, (1962), Toward workable rules of search and seizure—An amicus curiae brief, California law review, Volume 50, Issue 3, PP.421-457